

گوش دراز خیاط

چایی تون رو آوردم قربان،
مشکلی پیش اومده؟

گوش دراز الان دستیار ناندو فیله شده.
ناندو یک خیاط مشهوره.

اوه! من کلی
کار دارم. یکی باید
بهم کمک کنه.

گوش دراز
ماجراهای

مترجم: سپهر سپاهی یونس

آره ولی من به تنهایی نمی تونم این همه کار انجام بدم.

مشتری‌ها دارن پشت سر هم سفارش
لباس میدن و باید کلی لباس درست کنم.

یکی باید باشه که توی بریدن
بهم کمک کنه.

خب این که خوبه!

من می تونم کمک کنم.

تو چی کار کردی! اون لباس‌ها آماده
بودن! به زحمت دوختمشون!

قربان شما
گفتین که برای بریدن
کمک لازم دارین، من
هم همه
این‌ها رو بریدم!

حالا به مشتری‌ها
چی بگم!

باشه، ولی اگر برای بریدن
لباس‌ها کمک لازم داشتید،
بهم خبر بدین. کار جالبیه.

از اینجا
برو.

من کسی رو لازم داشتم که تو بریدن پارچه
برای دوختن لباس‌ها بهم کمک کنه نه بریدن لباس‌ها!

اوه، منظور شما
این بود!

قاصدک

شماره ۱۸
۸ آبان ماه
۱۳۰۰

داستان
تصویری

۱۴